موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 15 و بررسی اشکالات ابومریم اعظمی

سخن درباره حدیث پانزدهم از مراجعه 48 از کتاب المراجعات بود. در این مراجعه مرحوم امام شرف الدین به درخواست شیخ سلیم روایاتی که به عنوان مویدات امامت امیرالمومنین (ع) است را بیان می کند.

حدیث پانزدهم از حبشی بن جناده است که نقل می کند پیامبر اکرم (ص) فرمود: «علی منّی و أنا من علی و لایؤدی عنی الا أنا أو علی». ابومریم اعظمی از نظر سند این حدیث را مورد اشکال قرار داده و گفته است: در سند آن شریک قاضی است و او دچار اختلاط ذهنی شده است و لذا نمی توان به حدیث او اعتماد کرد.

در پاسخ گفته شد غیر از مباحثی که درباره شریک قاضی قبلا بیان شد، می گوییم: حاکم نیشابوری حدیثی را نقل کرده که راوی آن شریک قاضی است و آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز صحت آن را تایید کرده است.[[1]](#footnote-1) ترمذی نیز همین حدیث را از حبشی بن جناده از شریک قاضی نقل کرده و آن را حسن صحیح دانسته است. (حسن صحیح یعنی روایتی که برخی از طرق آن صحیح و برخی حسن است و یا به این معنا است که برخی سند آن را صحیح و برخی حسن دانسته اند). همچنین احمد محمد شاکر نیز سند این روایت را که در مسند احمد آمده، صحیح شمرده است.

نکته ای در مورد کتاب مسند و شرح احمد محمد شاکر

مسند امام احمد حنبل چاپ های مختلفی دارد و چاپ در اختیار بنده 20 جلد دارد که چاپ دارالحدیث قاهره و مربوط به سال 1416 ق است. جلد 19 و 20، فهرست احادیث است. تعداد احادیث این کتاب نیز 27517 حدیث است.

بررسی اسناد احادیث مسند، در این چاپ توسط دو نفر انجام شده است: احمد محمد شاکر تا آخر جلد هشتم را شرح داده است که مشتمل بر 8782 حدیث است. بقیه مجلدات، توسط حمزه محمد الزین انجام گرفته است . محمد الزین درباره روش خویش در شرح این احادیث گفته است: درباره سند این روایات به برخی کتب رجالی اعتماد کرده ام. شاید کسی که در ابتدای امر از کار من آگاه می شود گمان می برد با ابن حجر عسقلانی در خیلی مورد مخالفت کرده ام، اما این گونه نیست. مطلبی که طلاب علم حدیث در درس های علم حدیث با آن آشنا می شوند این است که اگر راوی را صدوق بنامند، حدیث وی را حسن می دانند و اگر گفته باشند «صدوق یخطی» یا «صدوق یهن»، نشان از ضعیف بودن راوی است، اما این حرف درست نیست. اگر درباره راوی گفته باشند او صدوق است، حدیثش صحیح شمرده می شود. و اگر گفته شود راوی صدوق قد یخطی یا صدوق قد یهن است، در این صورت باز حدیثش صحیح است مگر آن حدیثی که معلوم است خطا کرده است.

وی در ادامه گفته است: اگر راوی حدیث کسی که زیاد خطا می کند، حدیثش حسن است به شرط آنکه سخن او با ائمه حدیث مخالف نباشد. و اگر به جای صدوق گفته باشند مقبول است، باز همانند راوی صدوق است خصوصا اگر زمان راوی قریب به زمان صحابه باشد. این روش همان است که ترمذی، هیثمی، ذهبی و عراقی از عالمان علم حدیث آن را برگزیده اند. حال اگر روایتی مسکوت عنه باشد، اما راوی مشهوری از وی نقل کرده باشند (دو نفر یا بیشتر از رجال معتبر از وی روایت نقل کرده باشند)، باز آن روایت حسن خواهد بود، مگر اینکه قول او با قول روات مخالف باشد. مثلا بخاری و ابوحاتم فردی را نقل کرده اند و درباره او سکوت کرده اند، ولی ابن حبان او را در کتاب ثقات خود آورده است. این روایت حسن شمرده می شود، در حالی که خیلی شنیده ایم که چنین راوی را تضعیف می کنند اما آنچه حفاظ و محدثان درجه بالا انجام می دهند همان است که آن را حسن می دانند.

وی در ادامه گفته است: روش من تبعیت از عالمان رجال و درایه است نه اینکه قصد داشته باشم مباحثی را ابداع کنم. به همین خاطر آنچه را ترمذی حسن می داند، من نیز حسن می دانم. آنچه حاکم و ذهبی بر آن اتفاق نظر دارند، آن را نیز صحیح دانسته ام. در مورد هیثمی و عراقی نیز موافقت کرده ام و خیلی کم پیش آمده که مخالفت آنها سخنی گفته باشم، مانند اینکه راوی که آن را مجهول دانسته اند من برایش ترجمه و شرح حال پیدا کرده ام یا راوی را انکار کرده ام اما من برایش تعریفی پیدا کرده ام. همچنین روش من این است که در کنار سند به متن نیز توجه کرده ام. [[2]](#footnote-2)

سوال و جواب

دیدگاه محمد شاکر درباره شریک قاضی چیست؟

محمد شاکر در آن بخشی از کتاب که به شرح آن پرداخته، حدیثی که در آن شریک قاضی بوده است را صحیح دانسته است. از جمله آنها حدیثی است که از عبدالله بن احمد نقل شده است. (عبدالله بن احمد بن حنبل که کتاب مسند را بررسی کرده است، برخی روایات که در مسند نبوده اما مورد اعتماد وی بوده است را در کتاب نقل کرده است. اینها را زیادات عبدالله می گویند). در این روایت آمده است: «حدثنی ابی عون حدثنی شریک عن سماک عن حنش عن علی (ع) قال: بعثنی رسول الله (ص) قاضیا و قال اذا جائک الخصمان فلاتقض علی احدهما حتی تسمع کلام الاخر». در این روایت پیامبر خدا (ص) می فرماید اگر تو حرف دو طرف دعوا را بشنوی، حکمی که می خواهی بکنی، بر تو آشکار می شود.[[3]](#footnote-3) در ذیل حدیث، احمد محمد شاکر آن را صحیح دانسته است. احمد محمد شاکر همچنین درباره شریک قاضی در جای دیگر گفته است «شریک هو القاضی بن عبدالله بن ابی شریک النخعی و هو ثقه مامون کثیر الحدیث و کان یغلط کما قال ابن سعد».[[4]](#footnote-4) بنابراین وی حدیث مورد یعنی حدیث پانزدهم از مراجعه 48 را صحیح می داند، در حالی که احمد من الزین آن را حسن شمرده است.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج3، ص 136، ح 4633 [↑](#footnote-ref-1)
2. المسند، ج9، ص 6، مقدمه [↑](#footnote-ref-2)
3. المسند، ج2، ص 130، ح1279 [↑](#footnote-ref-3)
4. المسند، ج1، ص 455، ح659 [↑](#footnote-ref-4)